

## من هرگز یک قدم جلوتر از آنجا که هستم را ندیده ام

من اینجا را دیده ام که اسیر زندان بزرگ نوشتن بوده است، همیشه ی خدا، که زندان را پذیرفته، باورکرده، اصل بودن پنداشته، به آن معتاد شده، و به تنها پنجره اش که بسیار بالاست دل خوش کرده.. و آن پنجره، تویی ای عزیزا... آن پنجره، آن در، آن میله ها، و جمیع صداهایی که از دوردستها می آیند تا لحظه یی، پروانه وش، بر بوته ی ذهن من بنشینند، تویی...

## روز تولدت ای بانوی بزرگوار من

و فضای خانه مان، همیشه، در چنین روزی که روز عزیز ولادت پربرکت تو برای خانواده ی کوچک ماست.. امروز که روز تولد توست، و صبح بسیار زود برخاستم تا باز بکوشم که درنهایت تازگی و طراوت، نامه ی کوچکی را همراه **شاخه گلی** بر سر راه تو بگذارم.

## به یاد تو...

شب عمیق است؛ اما روز از آن هم عمیق تر است. غم عمیق است اما شادی از آن هم عمیق تر است.. این سخنیست که آن را بسیار دوست می دارم. دیروز، نزدیک غروب، باز دیدمت که غمزده بودی و در خود. من، هرگز، ضرورت اندوه را انکار نمی کنم؛ چراکه میدانم هیچ چیز مثل **دل اندوه**، روح را تصفیه نمی کند و الماس عاطفه را صیقل نمی دهد؛ اما میدان دادن به آن را نیز هرگز نمی پذیرم؛ چراکه غم، حریص است و پریشتر حواء و مرزناپذیر، طاعی و سرکش و بدلگام.

## لحظه های سخت

در زندگی، لحظه های سختی وجود دارد؛ لحظه های بسیار سخت و طاقت سوزی، که عبور از درون این لحظه های بدون ضربه زدن به **حرمت** و قداست زندگی مشترک، به نظر، امری ناممکن می رسد.

### بی پروا باش

بی پروا به تو می گویم که دوست داشتنی خالصانه، همیشگی، و رو به تزاید، دوست داشتنی ست بسیار دشوار - تا **مرزهای ناممکن** اما من، نسبت به تو، از پس این مهم دشوار به آسانی برآمده ام؛ چراکه خوبی تو، خوبی خالصانه، همیشگی و رو به تزایدی ست که هر آمر دشوار را بر من آسان کرده است و جمیع مرزهای ناممکن را فروریخته .

### حریم بین ما

وقتی حریمی ساختیم، به ضرورت و مدلل، و آن را پذیرفتیم، شکستن این حریم، بسیار دشوارتر از پاسداشتن و بر پا نگه داشتن آن است. ویران کردن یک دیوار سنگی استوار، مسلما مشکل تر از باقی گذاشتن آن است. دیده ام زنان و مردانی را که از «**لحظه های قرانی خشم**» سخن می گویند و ناتوانی در برابر این لحظه ها. من، چنین چیزی را، در حد شکستن حریم حرمت یک زندگی باور نمی کنم، و هرگز نخواهم کرد.

### مردان فریادکش زنان آرام

در روزگار ما که بسیاری از مردانی صاحب سواد و اکثر زنان به هنگام بحث، گرفتار عدم تعادل می شوند، فریاد می کشند، دشنام می دهند، دروغ می بافند، شایعه می سازند، و جملگی ارزشهای اخلاقی و انسانی، و حتی علل یک گفت

وگوی سیاسی و اجتماعی را زیر پاهای هیجان زدگی غیرعادلانه ی خود له می کنند، و هدفی برایشان نمی ماند جز مغلوب کردن و خردکردنی **بیرحمانه** و لحظه ای حریف، چقدر خوب بود اگر زنانی با خلق و خوی اجتماعی آرام، وارد میدان سیاست می شدند.

[www.afkarmosbat.org](http://www.afkarmosbat.org)

[www.afkarmosbat.ir](http://www.afkarmosbat.ir)

به سایت ما وارد شوید و بهترین و به روز ترین کتاب ها را از همه جا ارزان تر تهیه کنید

### **خوشبختی**

بارها گفته ام، و تو خوب می دانی، که ارزش نهایی هر زندگی در حضور لحظه های سرشار از احساس خوشبختی در آن زندگی ست. در یکنواختی و سکون، هیچ چیز وجود ندارد چه رسد به **خوشبختی** که ناگزیر، از پویشی دائمی سرچشمه می گیرد. خوشبختی را نمی توان وام گرفت. خوشبختی را نمی توان برای لحظه یی نیز به عاریت خواست خوشبختی را نمی توان دزدید نمی توان خرید نمی توان تکدی کرد...

### **مردی که میگرد**

مردی که گریستن نمی دانست، این را می دانست که زود خواهد مرد.

شاید راست باشد. شنیده ام مستبدان و ستمگران بزرگ تاریخ، **گریستن** نمی دانسته اند...

### **تکیه گاه من**

تو گرچه تکیه گاه منی، اما خود، در تنهایی، ساقه ی باریک یک مینایی. مگذار حتی نسیم یک اضطراب، این ساقه ی نازک را مختصری خم کند. شکستن تو، **درهم شکستن من** است.

### **سال نو**

اینک، عزیز من! ببین که سال تازه را چگونه به تو تبریک می گویم؛ انسان که سنگی با کوبیدن خویش بر تنگ بافتنی اما چه کنم که بی تو **فقیرم**، و بی تو پا در رکاب هزارگونه تقصیرم؟ چه کنم؟ شاد باد سال نو بر تو، و در سایه ات بر همه ی ما.

### **کودکانه**

هرگز از کودکی خویش آنقدر فاصله مگیر که صدای فریادهای شادمانه اش را نشنوی، یا صدای گریه های مملو از گرسنگی و تشنگی اش را... اینک دستهای مهربانت را به من بسپار تا به یاد آنها بیاورم که چگونه باید زلف **عروسکها** را نوازش کرد...

### **عیب گرفتن آسان است بانو، عیب گرفتن آسان است.**

حتی آنکس که خود، تمام عیب است و نقص وانحراف، او نیز می تواند بسیاری از عیوب دیگران را بنماید و برشمارد و چندان هم خلاف نگفته باشد. **عیب گرفتن**،

بیشک آسان است بانو؛ عیب را آنگونه و به آن زبان گفتن که منجر به اصلاح صاحب عیب شود، این کاری است دشوار و عظیم، خیرخواهانه و دردشناسانه...

### در این راه طولانی که ما بی خبریم...

خرده **اختلاف هایمان** با هم، باقی بماند. خواهش میکنم! خواه که یکی شویم؛  
مطلقا یکی

مخواه که هرچه تو دوست داری، من همان را، به همان شدت دوست داشته باشم و هر چه من دوست دارم، به همان گونه، مورد دوست داشتن تو نیز باشد.

### اختلاف نظرها

طول سالیان دراز زندگی مشترک، من به این باور ابتدایی دست یافته ام که این نفس اختلاف نظرها نیست که مشکل اساسی زنان و شوهران را می سازد؛ بلکه «شکل» مطرح کردن این اختلاف نظرهاست. به اعتقاد من، از پی طهارت، زبان، برای نگه داشتن بنیان خانواده به گونه ی آرمانی و مطلوب، محکم ترین ابزار است، همچنان که برای ویران کردن آن، **مخرب ترین سلاح**.